

آشنایی با بازخوانی دفاع مقدس در اسناد سازمان ملل



دفاع > دفاع مقدس - خنکای آخرین روزهای شهریور هر سال، یادآور زخم کهنه آغاز حمله ناجوانمردانه دولت بعثی عراق به مرزهای مقدس ایران اسلامی است که 8 سال به طور انجامید.

گرچه یکی- دو سالی است که جنگ افروز این نبرد، به دار مجازات آویخته شده اما جنگ افروزان اصلی اکنون خود عراق را اشغال کرده‌اند. از این منظر بازخوانی 8 سال دفاع مقدس که توأم با داغ از دست دادن پاک‌ترین جوانان این آب و خاک از یک سو و به دست آوردن باورها و توانایی‌های همان جوانان از سوی دیگر است، در برهه‌ای که دشمن همچنان به تهدیدهای خود ادامه می‌دهند، لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

جلد اول «جنگ ایران و عراق» در اسناد سازمان ملل متحد» که به تازگی از سوی مرکز اسناد دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ) در 3 هزار نسخه به چاپ رسیده شامل اسنادی است که با عنوان سند مجمع عمومی یا سند شورای امنیت سازمان ملل متحد از تاریخ 29 آوریل 1980 (9 اردیبهشت 59) تا 28 نوامبر 1990 (7 آذر 69) درباره جنگ ایران و عراق، زمینه‌سازی آن و وقایعی که پس از آتش بس رخ داده منتشر شده است. این مجموعه با گردآوری بیش از 1300 سند سازمان ملل درباره جنگ ایران و عراق فراهم شده که با ترجمه محمدعلی خرمی روانه چاپ شده است و جلد اول این مجموعه به دوره 3 ساله 59 تا 61 می‌پردازد.

هر دو کشور در طول منازعه طولانی به مکاتبه با دبیر کل و گاهی نیز با رئیس شورای امنیت روی آورده‌اند که این نامه‌ها و گزارش‌ها علاوه بر ثبت آن به عنوان سند، مواضع دو کشور را در طول جنگ نشان می‌دهد و حکایت‌گر روند جنگ نیز هست. چه اینکه هر دو طرف سعی داشته‌اند شورا را متوجه اقدامات خلاف قانون و ناقض منشور از جانب طرف مقابل کرده و شورا را وادار به اقدام کنند. در این میان دیپلماسی دولت عراق فعال‌تر بوده و مکاتبات بیشتری داشته است تا جایی که حتی در تجاوز به ایران کوشیده ایران را مقصر جلوه داده و خود را مبرا نشان دهد.

از آنجا که جلد اول این کتاب به زمینه‌سازی‌های آغاز جنگ و سال‌های آغازین این نبرد می‌پردازد برای بازخوانی در ایام سالروز دفاع مقدس جالب توجه است. یکی از نکات قابل توجه که در سند شماره 2 این کتاب به تاریخ 10 اردیبهشت 59 یعنی 145 روز پیش از تجاوز به خاک ایران آمده نامه‌ای است که از سوی سعدون حمادی، وزیر خارجه وقت عراق به دبیر کل سازمان ملل نوشته شده است.

در این نامه به اظهارات ابوالحسن بنی‌صدر، رئیس جمهور وقت، مبنی بر اینکه مالکیت 3 جزیره ایرانی تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی ربطی به دولت‌های عربی ندارد، اعتراض شده و ایران در این سند به اشغال غیر قانونی این 3 جزیره متهم شده است. در قسمتی از این نامه آمده است: «دولت جمهوری عراق مایل است تاکید کند که اشغال غیر قانونی 3 جزیره را به رسمیت نمی‌شناسد و پیامدهایی که ادامه اشغال جزایر به همراه خواهد داشت متذکر شده و خواستار عقب نشینی فوری ایران از این جزایر است.»

همچنین در سند شماره 10 مورخ دوم مهرماه 59، دلایل واهی زیر پا گذاشتن قرارداد 1975 الجزایر و شروع جنگ بیان شده است. در سند شماره 11، سعدون حمادی طی نامه‌ای به رئیس شورای امنیت، صریحا اعلام کرده است که عراق توافق‌نامه 6 مارس 1975 (15 اسفند 1353) الجزایر را فسخ کرده و از طریق حمله نظامی، در پی دستیابی به حقوق خود برآمده است و این اقدام به تجاوزگری را دفاع از خود خوانده است.

اما از سوی دیگر، رویکرد جانبدارانه شورای امنیت نیز کاملاً در صدور قطعنامه مشخص است و نشان می‌دهد که همه قطعنامه‌های صادر شده در طول جنگ، با هدف فشار بر ایران و حمایت از عراق انجام شده است. به عنوان مثال، در حالی که سازمان ملل پس از آتش بس، در سال 1991، عراق را متجاوز اعلام کرد، در مهرماه 59، پس از تجاوز عراق، شورای امنیت در قطعنامه 479 که یک هفته پس از آغاز تجاوز عراق به خاک ایران صادر شد حتی از عراق نخواست که به مرزها برگردد. اعلام متجاوز بودن دولت بعثی که هیچ، شورای امنیت فقط از طرفین خواسته که از به کار بردن بیشتر زور خودداری کنند.

این موضع تا 21 ماه ادامه داشت و هیچ قطعنامه‌ای صادر نشد تا اینکه ایران طی 9 ماه با 4 عملیات از مهر سال 60 تا خرداد 61 توانست بخش اعظم مناطق اشغالی را آزاد کند. در این زمان شورای امنیت با مشاهده در خطر قرار گرفتن موقعیت نظامی و سیاسی عراق، قطعنامه 514 را صادر می‌کند که از طرفین خواسته شده ضمن خودداری از به کار بردن زور بیشتر، در مرزهای بین‌المللی متوقف شوند؛ اتفاقی که باید در قطعنامه 479 مورد توجه قرار می‌گرفت. به هر روی بازخوانی این کتاب برای پژوهشگران و علاقه‌مندان به تاریخ جنگ به عنوان سندی رسمی که مواضع دوطرف و نظام بین‌المللی را نشان می‌دهد خالی از لطف نیست.